

سوره «نور» (۲۴)

مضمون و محتوی

محور اصلی و موضوع اساسی سوره «نور» حریم «خانه و خانواده» می باشد که از زوایا و ابعاد مختلفی به آن پرداخته است. این مطلب به طور مستقیم و آشکار در نیمه اول سوره (۳۲ آیه از ۶۴ آیه) و در آیات بلند آخر آن (۴ آیه ۵۸ تا ۶۱) تبیین گشته است. به طوریکه کلمه «بیوت» در این مجموعه به طور چشمگیری جلب توجه می نماید و تنها در یک آیه (۶۱) که پایان بخش آیات خانواده در این سوره می باشد، ۱۰ بار این واژه تکرار شده است.^۱ مسئله «خانواده» به عنوان اولین و ساده ترین کانون اجتماعی، و «خانه» که پایگاه و محل استقرار این کانون می باشد، از جنبه های متعددی مورد نگرش این سوره قرار گرفته است، از جمله: حفظ و حراست از آن در برابر دزدان ناموس و تیرهای مسموم افک و بهتان، حجاب و رعایت حد و مرز محارم، پوشاندن چشم و حفظ فروج، سختگیری در شهادت به زنا برای حفظ حرمت و آبروی مردم و عدم اشاعه فحشاء، هشدار جدی و مکرر به مؤمنین برای خوش بین بودن به یکدیگر و باور نکردن شایعات و اقاویل بی پایه منافقان، موضوع نکاح زنان بی شوهر، بندگان و کنیزان، رعایت عفت به هنگام تجرد، تنظیم قرارداد کتبی برای آزاد ساختن اسیرانی که در خانواده های مسلمان تحت تعلیم و تربیت قرار گرفته اند، خودداری از وادار کردن کنیزان عقیفه به روسپیگری برای کسب منافع دنیائی، بی خبر و بی اجازه وارد خانه های مردم نشدن و ...

همچنین در ۴ آیه ای که اواخر سوره می آید، به ضوابط و مقررات مربوط به «خانه» که

۱. بطور کلی در این سوره کلمه «بیوت» با ۴۱ بار تکرار از سایر سوره های قرآن بیشتر به کار رفته است و از نظر نسبی ۲۰٪ کل این کلمه در قرآن به این سوره اختصاص دارد.

مکان خانواده و پایگاه این هسته اجتماعی می باشد، می پردازد و دستورالعمل هائی در مورد مسائل ذیل صادر می نماید:

اجازه گرفتن اطفال و کنیزان برای ورود به اطاق پدر و مادر در سه هنگام مختلف، اجازه گرفتن همه وقت اطفال بالغ برای ورود به اطاق، جواز کشف حجاب مشروط برای زنان بازنشسته (یائسه)، غذا خوردن فردی یا دسته جمعی در خانه خود یا خانه های خویشان و دوستان، سلام کردن به اهل خانه هنگام ورود به آن و...^۱

در بخش دیگر سوره نیز که به ظاهر موضوع عوض شده و به آیات تکوینی پرداخته و از «نور» و مشکوة و مصباح سخن می گوید، باز هم به خانه و خانواده برمی گردد و «نور» هدایت را در «خانه» هائی سراغ می دهد که نام خدا را یاد می کنند و صبح و شب او را تسبیح می نمایند.

فی بیوت اذن الله ان ترفع و یذکر فیها اسمہ یسبح له فیها بالغدو والاصال.

در آیه بعد اضافه می نماید در چنین خانه و خانواده هائی مردانی هستند (یا تربیت می شوند) که تجارت و بیع آنها را از یاد خدا سرگرم نمی سازد و نماز برپا می دارند و زکوة می دهند و از روز قیامت خوف دارند (رجال لاتلهیهم تجارة ولا بیع عن ذکر الله و اقام الصلوة و ایتاء الزکوة یخافون یوماً تتقلب فیہ القلوب والابصار)

باز هم در سومین بخش سوره که به نظر غریبه و بی ارتباط با دو بخش فوق (موضوع خانواده و آیات تکوینی) می آید، و موضوع «مردم شناسی» و نفاق و سست ایمانی برخی از مسلمانان مطرح می شود، «رجال» دیگری از مسلمانان معرفی می شوند که گویا به دلیل عدم رشد و تربیت خانوادگی و محرومیت از «انوار» هدایت الهی، برعکس رجال مؤمن که فکر و ذکرشان خدا است و به تجارت و بیع سرگرم و غافل نمی شوند، تمام حواسشان زندگی خود و منافع فردی دنیائی می باشد و درحالیکه اظهار می دارند به خدا و رسول ایمان آورده و مطیع هستند، یکسره پشت می کنند و روی می گردانند (آیات ۴۷-۵۰) و به خاطر وابستگی هایشان به دنیا و منافع آن (همان تجارت و بیع) و اشتغال دائمی فکرشان به این موضوع، وقتی هم که برای یک کار اجتماعی (امر جامع) منافقانه و از روی ناچاری و نمایش و ریا، همراه سایر مسلمانان نزد رسول جمع می شوند، از هر فرصتی استفاده کرده مخفیانه و

۱. موضوع ورود به خانه، هم در آیات نیمه اول سوره که مربوط به «خانواده» است مطرح شده و هم در آیات آخر سوره که مربوط به مقررات «خانه» می باشد، با این تفاوت که در قسمت اول ورود به خانواده برای کشف زنا و روابط نامشروع یا سردر آوردن از اسرار شخصی می باشد که «به خانواده» مربوط می باشد. اما در قسمت بعد موضوع «سلام» کردن به اهل «خانه» مطرح شده که جنبه دیگری دارد.

بدون اینکه کسی متوجه باشد، با حالت خزیده فرار می کنند و به سوی کار خود می روند (آیات ۶۲ و ۶۳). اگر در بخش آیات تکوینی از رجالی نام می برد که نماز برپا می دارند و زکوة می دهند (رجال لاتلهیهم تجارة ولا بیع عن ذکر الله و اقام الصلوة و ایتاء الزکوة ...)، در این بخش که از مردان رشد نیافته جامعه مسلمین که رنگ نفاق دارند یاد می کند، باز هم دستور نماز و زکوة می دهد (واقیموا الصلوة و اتوا الزکوة و اطیعوا الرسول لعلکم ترحمون - آیه ۵۶). این انطباق ثابت می کند بخش های مختلف سوره علیرغم آنکه ظاهری متفاوت داشته تصور می رود مستقل از یکدیگر باشند، پیوندی ظریف و تکمیل کننده دارند.

پس به طور خلاصه می توان گفت سوره نور از سه دسته آیات مستقل از نظر محتوی و مضمون، به شرح ذیل تشکیل شده که در عین استقلال و ظاهر مختلف و بیگانه ای که بایکدیگر دارند، برخوردار از ارتباط و انسجام دقیق و ظریف و پیوندی تنگاتنگ می باشند:

- | | |
|--|--------------------------------------|
| ۱- آیات مربوط به حریم «خانه و خانواده» | } آیات ۱-۳۴ (نیمه مقدم سوره) |
| ۲- آیات تکوینی (در قالب تمثیل و تشبیه) | |
| ۳- آیات مردم شناسی و ایمانی | } آیات ۴۷-۵۷ |
| | |
| | } آیات ۶۲-۶۴ (خاتمه و جمع بندی سوره) |

همانطور که ملاحظه می شود، سه دسته آیات فوق در ۵ مقطع مختلف سوره قرار گرفته اند و دسته های ۱ و ۳ با اینکه هر کدام شامل دو ردیف آیات می باشند به یکدیگر منضم نشده به دلیل سال نزول و مکی و مدنی بودن آن و تفصیل بیشتری که به تدریج حاصل شده، مخلوط شده اند.

سال نزول

جدول سال نزول سوره ها در کتاب «سیر تحول قرآن» (جلد اول جدول ۱۵) که عمدتاً مبنای استفاده ما در این مورد می باشد، این سوره را برحسب سال نزول به ۴ گروه تقسیم کرده که اتفاقاً با تقسیم بندی موضوعی که فوقاً شرح دادیم تا حدود زیادی انطباق پیدا می کند.

۱- آیات ۱-۳۴	موضوع آیات افک (خانواده)	سال نزول ۵ هجری
۲- آیات ۳۵-۴۶	موضوع تشریحی	» » ۱۰ هجری
۳- آیات ۴۷-۵۶	مردم شناسی	» » ۱۰ بعثت (مکی)
۴- آیات ۵۷-۶۴	ایمانی و تشریحی	» » ۱۰ هجری

سوره با آیات مربوط به حریم خانواده که بیش از نیمی از کل سوره را تشکیل می دهد (و در سال ۵ هجرت نازل شده) شروع می شود. این آیات، آیات تشریحی هستند که با آیه ۳۴ (و لقد انزلنا الیکم آیات مبینات ...) ختم می شود. بخش دوم سوره که آیات تکوینی به شمار می رود و از نور و ظلمات و تسبیح عمومی موجودات و باد و باران و شب و روز و خلقت تکاملی موجودات سخن می گوید، با آیه ۶۴ (و لقد انزلنا آیات مبینات ...) ختم می شود و این مجموعه به عنوان تفصیل و تبیین مجموعه قبل و نگرش دیگری از زاویه طبیعت، در سال ۱۰ هجرت (۵ سال بعد) نازل شده است.

سومین گروه سوره که به آیات مردم شناسی تعلق دارد، در سال دهم بعثت در مکه نازل شده است و آثار و عوارض سستی و سطحی بودن ایمان را که در ارتباط با تربیت های خانوادگی نیز قرار دارد، نشان می دهد. این گروه آیات گرچه مقدم بر سایر آیات سوره نازل شده، اما در نیمه دوم آن قرار گرفته است.

در چهارمین گروه (از نظر سال نزول) مجدداً به آیاتی در زمینه خانواده و مردم شناسی برخورد می کنیم که باز هم ارتباط تربیت خانوادگی را با عملکرد افراد در جامعه نشان می دهد. این سری آیات نیز به طور تفصیلی و به عنوان خلاصه و جمع بندی سوره در سال ۱۰ هجرت (آخرین سال) نازل شده است.

تقسیمات سوره

سوره «نور» تنها «سوره ای» است که مشخصاً در قرآن «سوره» نامیده شده^۱ و اولین کلمه در اولین آیه آن «سوره» می باشد.

سوره انزلناها و فرضناها و انزلنا فیها آیات بینات لعلکم تذكرون.

معنای لغوی «سور» حصار و دایره محدود کننده می باشد. به همین دلیل دیوار بلند دور شهر را سور می نامند^۲ و دستبند و حلقه دست را که زینتی دایره شکل است سوار (جمع آن آساور و آسوره) می خوانند. و به همین ترتیب مجموعه مطالب و بیاناتی که پیرامون

۱. البته به مجموعه آیات دیگری که موضوع واحد دارند، در قرآن سوره گفته شده است. اما این مجموعه ها الزاماً مشمول تقسیم بندی های فعلی قرآن که سوره نامیده شده و در ۱۱۴ ترکیب آمده است نمی باشد. با این بیان می توان گفت هر «سوره» در شکل فعلی قرآن، از سوره های متعددی (به معنای وحدت موضوعی) تشکیل شده است.

۲. آیه ۱۳ سوره رعد (فضررب بینهم بسور له باب ... میان آنها حصاری زده شود که آنرا دروازه ای است ...) بر این معنا دلالت می کند

یک موضوع بوده و یک حقیقت را از زوایای مختلف بررسی می‌کند در اصطلاح قرآن «سوره» می‌گویند. کتاب نازل شده بر رسول اکرم از ۱۱۴ سوره تحت عناوین و اسامی مختلفی تشکیل شده است که برخی از آنها خود مجموعه‌ای از سوره‌های کوچک‌تر (به معنای قسمت‌های هم‌آهنگ و هم‌سیاق) می‌باشد. به طوری که هر سوره را می‌توان دایره‌ای فرض کرد که در آن دوائر کوچکتری رسم شده است و میان آنها با دایره اصلی ارتباط و انسجام دقیقی وجود دارد.^۱

درست است که تقسمات ۱۱۴ گانه قرآن را سوره می‌نامیم، اما خود قرآن تنها مجموعه آیاتی را که «نور» نامیده شده، مشخصاً و به صراحت «سوره» نامیده است. شاید این تأکید و تصریح به دلیل هماهنگی و ارتباط واضح و آشکار بخش‌های مختلف سوره «نور» باشد. یا علامت و نشانه‌ای که آیات به ظاهر بیگانه و مستقل آنرا در رابطه با یک محور و موضوع معنا و تفسیر نمائیم. و یا وحدت نور در برابر کثرت ظلمات و یا ... (الله اعلم). قدر مسلم این است که در کمتر سوره‌ای چنین وحدت و هماهنگی مشاهده می‌کنیم.

به نظر می‌رسد دایره اصلی این مجموعه که نام «سوره» بر آن تعلق گرفته، موضوع حریم «خانه و خانواده» باشد. اما دوائر فرعی دیگری به عنوان سوره‌های کوچکتر (یا بخش‌ها و تقسمات داخلی) آن وجود دارد که در عین ارتباط محوری با موضوع اصلی سوره، وحدت و استقلال فردی نیز دارند. شناخت این سوره‌های کوچکتر، که بخش‌ها و تقسیمات سوره اصلی را تشکیل می‌دهند، از یک طرف به فهم کل سوره کمک می‌کند، از طرف دیگر در رابطه با محور اصلی سوره، موقعیت و موضع بخش‌های فرعی، که در ظاهر بریده و بیگانه از بقیه آیات به نظر می‌رسند، تبیین می‌گردد. بنابر این مفید به نظر می‌رسد اگر با چنین تفکیک و تجزیه تحلیلی به تدبّر در سوره بپردازیم.

همانطور که گفته شد، این سوره از ۵ دسته آیات در ۳ موضوع مختلف: ۱- (آیات تشریحی درباره حریم خانه و خانواده). ۲- (آیات تکوینی درباره نور و ظلمات و ...) ۳- (مردم‌شناسی) تشکیل شده است که به ترتیب دسته‌های پنجگانه را شرح می‌دهیم:

۱. در برخی از سوره‌ها به آیاتی که پیرامون یک موضوع نازل شده «سوره» گفته شده است. مثل: توبه آیات ۶۴-۸۶-۱۲۴ و ۱۲۷ در رابطه با منافقین (یحذر المنافقون ان تنزل علیهم سورة... و اذا انزلت سورة...) و همچنین سوره محمد آیه ۲۰ در شأن همین گروه (و يقول الذین آمنوا لولا نزلت سورة فاذا انزلت سورة محكمة و ذکر فيه القتال رأیت الذین فی قلوبهم مرض ینظرون الیک ...)

۱- آیات ۱-۳۴ «حریم خانواده»

این بخش که کمی بیش از نصف سوره را تشکیل می دهد، با آیه: «سوره انزلناها و فرضاها و انزلنا فیها آیات بینات لعلکم تذکرون» آغاز شده و با آیه ۳۴ (و لقد انزلنا الیکم آیات مبینات ... و موعظة للمتقین) ختم می شود. همانطور که ملاحظه می شود. در آغاز و ختم این بخش از «نزول آیات بینات» سخن می گوید. این آیات بینات که جنبه تشریحی دارد، در خلال ۳۴ آیه این بخش تبیین می گردد تا مؤمنین «متذکر» گردند و «تقوی» پیشه گیرند. علاوه بر آن، در وسط این بخش نیز مجدداً از تبیین آیات (تشریحی) سخن می گوید: آیه ۱۸ (و ینزل الله لکم الآیات والله علیم حکیم).

این آیات تشریحی شامل ۲۰ بند اصلی به قرار ذیل می باشد که البته فروع و نتیجه گیری هائی بر آن مترتب می گردد:

- ۱-۱- حد تازیانه برای زن و مرد زناکار (هریک یکصد ضربه شلاق).
- ۱-۲- حاکم نساختن احساسات و عواطف در دین (قانون) خدا و اجرای احکام او.
- ۱-۳- حضور مؤمنین در صحنه اجرای حکم و مشاهده آن (برای عبرت).
- ۱-۴- زن و مرد زناکار جز با مانند خود یا مشرک ازدواج نمی کنند (یا نباید بکنند) و تحریم ازدواج مؤمنین با آنها.
- ۱-۵- حد تازیانه برای کسانی که به زنان پاکدامن بدون آنکه ۴ شاهد داشته باشند، بهتان می زنند (۸۰ ضربه)
- ۱-۶- نپذیرفتن همیشگی شهادت این فاسقین (قانون شکنان) مگر اینکه توبه کنند و اصلاح (جبران اتهام) نمایند.
- ۱-۷- روشن کردن تکلیف مردانی که به زنان خود نسبت بد می دهند و جز خودشان شاهد دیگری ندارند.
- ۱-۷-۱- مرد چهار بار باید به خدا سوگند بخورد که راست می گوید.
- ۱-۷-۲- پنجمین بار باید بر خود لعنت خدا را قرار دهد اگر دروغگو باشد.
- ۱-۷-۳- زن نیز با ۴ بار شهادت بر اینکه شوهر دروغگو است حد تازیانه را از خود دفع می نماید.
- ۱-۷-۴- پنجمین بار غضب خدا را بر خود قرار می دهد اگر مرد راستگو باشد.
- ۱-۸- کسانی که (به زنان پارسا) تهمت می زنند گروهی مرتبط باهم و متشکل هستند (از روی اغراض سیاسی به چنین شیوه هائی متوسل می شوند) فکر نکنید این کار (اجرای ضوابط و حدود تعزیرات تا افشای تهمت زندگان) برای جامعه

« ۲۷- یا ایها الذین آمنوا لاتدخلوا بیوتاً غیر بیوتکم ... هو ازکی لکم والله بما تعملون
علیم.

« ۲۹- قل للمؤمنین یغضوا من ابصارهم و یحفظوا فروجهم ذلک ازکی لهم ان الله خبیر
بما یصنعون.

✽ آیه ۲۱ (یا ایها الذین آمنوا لاتتبعوا خطوات الشیطان و من یتبع خطوات الشیطان فانه
یأمر بالفحشاء والمنکر ...) را می توان با آیه ۹۰ سوره نحل و آیه ۴۵ سوره عنکبوت مقایسه
کرد و تقابل عدل و احسان را با فحشاء و منکر دریافت کرد. خدا به عدل و احسان امر
می کند و نماز انسان را به این راه سوق می دهد، اما شیطان خلاف آن عمل می کند.

۲- آیات ۳۵-۴۶ (آیه ۱۲) آیات تکوینی

دومین بخش سوره نور که به دنبال آیات تشریحی در مورد «حریم خانه و خانواده» قرار
گرفته است از آیات تکوینی سخن می گوید، در یک نگاه سطحی به نظر می رسد این سری
آیات مستقل از آیات قبل و بی ارتباط با آن باشد. ولی واقعیت این است که هر دو بخش از
یک حقیقت سخن می گوید. با این تفاوت که بخش اول از آیات تشریحی و بخش دوم از
آیات تکوینی برای اثبات موضوعی واحد نشانه می آورد. همانطور که قبلاً گفته شد، در ابتدا
و انتهای بخش نخست از نزول آیات یاد می کرد (آیه ۱- و انزلنا فیها آیات مبینات لعلکم
تذکرون - آیه ۳۴- لقد انزلنا الیکم آیات مبینات ...) و سیاق آیات بخش فوق الذکر نشان داد
که منظور از آیات، آیات تشریحی هستند. اینک در بخش دوم ملاحظه می کنیم که ۱۲ آیه آن
درست در میان دو آیه ائی قرار گرفته اند که باز هم از نزول آیات مبین سخن می گوید (آیه ۳۴-
لقد انزلنا الیکم آیات مبینات ... آیه ۴۷- لقد انزلنا آیات مبینات و الله ...) که در اینجا به نظر
می رسد منظور آیات تکوینی باشد (به آیه ۴۷ توجه شود که کلمه «الیکم» حذف شده و
شمول و عمومیت آیات را نشان می دهد).

مهمترین آیات این بخش همان ۴ آیه (۳۵ تا ۳۸) مربوط به «نور» می باشد که با تمثیلی
بسیار زیبا و لطیف خداوند را نور آسمانها و زمین نامیده است. آنچنانکه همه اشیاء عالم از
طریق نور بروز و ظهور یافته و در معرض مشاهده و رؤیت قرار گرفته اند، بروز و ظهور اجزاء
آسمانها و زمین و همه موجودات عالم، که در حقیقت همان وجود آنها در صحنه هستی و
خلقت و حیات آنها می باشد، به مشیت الهی انجام یافته است، همچنانکه در فقدان نور و در
دل ظلمات هیچ چیز تجلی و تظاهر نمی کند، اگر مشیت الهی بر خلق عالم تعلق
نمی گرفت، هیچ چیز حیات نمی یافت.

در این ۴ آیه ۲ بار به تمثیلی بودن تشبیه خداوند به نور آسمان‌ها و زمین اشاره می‌کند تا کسی گمان نبرد که واقعاً خدا از جنس نور است! (آیه ۳۴ ... مَثَل نوره کمشکوة ... و يضرب الله الامثال للناس ...). با آیه ۳۶ و ۳۷ (فی بیوت اذن الله ان ترفع ... رجال لاتلهيهم تجارة ولا بيع ...) این تمثیل کامل می‌شود و نشان می‌دهد منظور از نوری که در خانه‌های چنین مردانی می‌تابد همان نور هدایت و ایمان است. در ضمن این دو آیه، این سری آیات را به آیات بخش اول پیوند می‌دهد و اجرای آیات تشریحی بخش قبل در مورد حریم خانه و خانواده را مشروط به جذب نور هدایت در چنین بیوتی می‌نماید.

در دو مثال دیگر که به دنبال آیات نور می‌آید، به نتیجه عملکرد کافران (ناسپاسان نسبت به نور) می‌پردازد. در اولی حاصل تلاش‌های دنیائی آنها را به سراب که محصول تابش نور به صحرا است، تشبیه می‌نماید که جلوه‌ای از آب است ولی واقعیت ندارد. این نوعی گمراهی است که شخص به گمان خودش آنرا هدایت تصور می‌کند. و در دومی موضع و موقعیت آنها را با تاریکی‌های دریائی ژرف که امواج بلند و متعدد با ابر تیره آنها را فرا گرفته، مقایسه می‌کند و نتیجه این تمثیل را در عالم واقعیت چنین بیان می‌دارد که: «و من لم يجعل الله له نوراً فما له من نور» کسی را که خدا نوری قرار نداده نوری برای او نیست. تفاوت این نوع گمراهی با گمراهی قبلی در شدت آن و تصور شخص گمراه از عمل خود می‌باشد. در اولی او هام و تصورات باطل حق جلوه نموده و در دومی شخص گمراه غرق گمراهی‌های خویش گشته است.

پس از بیان آیات نور و تاریکی (۶ آیه)، اندیشه را متوجه آیات تکوینی دیگری در طبیعت می‌نماید. در ۶ آیه بعد نشانه‌های دیگری ارائه می‌دهد:

۱- تسبیح عمومی موجودات عالم و آگاهی آنها به صلاة و تسبیح خود و آگاهی دقیق خدا از اعمال آنها (الم تر ان الله يسبح له من فى السموات والارض والطير صافات كل قد علم صلاته و تسبيحه والله عليم بما يفعلون). از این آیه چنین نتیجه‌گیری می‌نماید که چون همه موجودات عالم تسبیح‌گوی پروردگار هستند و به صلاة و تسبیح خود هم علم و آگاهی دارند، پس مُلک آسمان‌ها و زمین از آن خدا است و کمال همه پدیده‌ها به سوی او است (والله ملك السموات والارض والى الله المصير) آیه ۴۲

۲- نقش باد به عنوان عامل تحرک و تألیف و ترکیب ابر که همه این مراحل و مقدمات

برای نزول بارانی است که به صورت مایع یا جامد (برگ و تگرگ) به زمین نازل می شود.^۱
 (الم تر ان الله یزجی سبحاباً ثم یؤلف بینہ ثم یجعلہ رکاماً فتری الودق یشرج من خلاله ...).
 آنگاه از این آیه تکوینی چنین نتیجه گیری می نماید که در تداوم و تقلب شب و روز
 (پشت سرهم آمدن آن) که موجب پیدایش اختلاف درجه حرارت و در نتیجه ایجاد جریان باد
 و طوفان می شود (و باد خود مقدمه ریزش باران و باران مقدمه حیات است) آیاتی برای
 عبرت اهل بصیرت می باشد^۲

(یقلب الله اللیل والنهار ان فی ذلک لعبرة لاولی الابصار)

۳- خلقت عمومی موجودات، سومین آیه ای است که در این بخش تذکر داده می شود.
 پس از جریان یافتن بادهای و تشکیل ابرها و ریزش باران و برف که در آیه قبل تشریح گردید،
 این مقدمات موجب پیدایش آب در سطح زمین و رشد و نمو گیاهان و خلقت انواع جانوران
 می گردد که در رشد تکاملی خود از خزندگان (سوسمارها، مارها) تا دوپایان (دایناسورها)
 و چهارپایان (انواع پستانداران) تنوع یافته اند.

والله خلق کل دابة من ماء فمنهم من یشی علی بطنه و منهم من یشی علی رجلین و
 منهم من یشی علی اربع.

نتیجه ای که از چنین آیه ای می گیرد، قدرت خدا و مشیت او بر استمرار خلقت است:
 یخلق الله ما یشاء ان الله علی کلشی قدیر.

به این ترتیب در سه آیه ای که در این بخش توضیح داده شد، بر سه اصل: ۱- علم و ملک
 خدا، ۲- تدبیر خدا، ۳- خلقت و قدرت خدا، اشاره شده است. نکته جالب اینکه در پایان این
 بخش همانند بخش قبلی بر روشن بودن این آیات (تکوینی) تأکید می کند (همانطور که در
 ابتدای بخش - آیه ۳۴ - بر این امر تأکید نمود).

لقد انزلنا آیات مبینات و الله یشاء الی صراط مستقیم.

۳- آیات ۴۷-۵۷ (آیه ۱۱) مردم شناسی

در این بخش بدون اینکه کلمه «نفاق» را به کار برده باشد، از خصوصیتی این چنین
 در میان مسلمانان یاد می کند، کسانی که ادعای ایمان به خدا و رسول و اطاعت از رهبری

۱. در مورد این آیه توضیحات علمی و ارزنده ای در کتاب «باد و باران در قرآن» آمده است.

۲. جالب اینکه در انتهای آیه ۴۴ می فرماید: «یکاد سنا برقه یدهب بالابصار» و در آیه بعد با اشاره مجدد به ابصار
 می فرماید: ان فی ذلک لعبرة لاولی الابصار. یعنی چشمی که نور خیره کننده برق آسمان را می بیند باید عبرت
 بگیرد و بصیرت پیدا کند.

می‌کنند، در حالیکه عملاً پایبند «حرف» خود نیستند و حاضر نمی‌شوند به حکم رسول اگر خلاف امیال و هواهای آنها باشد، گردن نهند اما اگر مطمئن باشند حق به طرف آنها بوده و رسول به نفعشان حکم خواهد کرد سرسپرده خواهند شد. قرآن این دسته را که مرضی در دلشان ریشه دوانده یا شک دارند و یا می‌ترسند خدا و رسول حق آنها را پایمال کند، «ظالم» (به نفس خود و به دیگران) نامیده است.

گویا تشریح و ویژگی‌های چنین گروهی در میان مسلمانان، به خصوص پس از بیان حریم خانه و خانواده (در آیات ۱ تا ۳۴) و آیات عظیم الشان نور، که تابش هدایتی آنرا در «بیوتی» معرفی کرده که در آن نام خدا ذکر می‌شود (فی بیوت اذن الله ان ترفع و یذکر فیها اسمہ ... رجال لاتلهیهم تجارة ولا بیع عن ذکر الله) به خاطر بیان آثار فقدان نور در برخی خانواده‌های مسلمان است که ضایعات تربیتی آن چنین عوارض سوئی در شکل اجتماعی به بار می‌آورد. به این ترتیب این بخش با دو بخش سابق مربوط بوده یک حقیقت را بیان می‌کند. در سری آیات فوق ۸ بار مشتقات کلمه «اطاعت» به کار رفته که از این جهت در قرآن بی نظیر یا کم نظیر می‌باشد.

پس از ذکر سست ایمانی این دسته از مؤمنین، در آیات ۵۰ و ۵۱ نشانه‌های معکوسی در جهت مثبت از مؤمنین واقعی ارائه می‌دهد و پس از آن مجدداً به مصادیقی از عملکرد سوء منافقین به هنگام بسیج و خروج برای مأموریت جنگی می‌پردازد که در عین نافرمانی و عصیان قسم‌های شداد و غلاظی هم برای اثبات مراتب اطاعت و فرمانبری خود می‌خورند. علیرغم این شیوه‌های منافقانه، از آنجائی که انسان مختار و آزاد است و هرکسی بار عمل خود را (چه خوب و چه بد) به دوش می‌کشد، خداوند سرنوشتشان را به دست خودشان می‌سپارد و اعلام می‌دارد رسول وظیفه‌ای جز ابلاغ آشکار ندارد! (اکراه و اجباری در کار نیست) ...

فان تولوا فانما علیه ما حمل و علیکم ما حملتم و ان تطیعوه تهتدوا و ما علی الرسول الا البلاغ المبین.

سه‌آیه بعد خطاب به مؤمنین واقعی است و پیروزی و رستگاری نهائی آنها را مشروط بر آنکه ناخالصی شرک و کفران نعمت از صراط مستقیم دورشان نکند، رقم می‌زند. گویا بیان این پیش‌بینی به دنبال تشریح عملکرد منافقین و روگردانی و پشت کردن آنها به حقایق قرآنی، نوعی دلگرمی و تقویت روحیه باشد که مطمئن گردند سرانجام حق پیروز می‌شود و آنها جانشینان کافرین در زمین شده امکان دینداری می‌یابند و ترسشان به امنیت تبدیل خواهد شد

(وعد الله الذين امنوا منكم و عملوا الصالحات ليستخلفنهم فى الارض كما استخلف الذين من قبلهم و ليمكننّ لهم دينهم الذى ارتضى لهم و ليعبدنّهم من بعد خوفهم امناً يعبدوننى لا يشركون بى شيئاً و من كفر بعد ذلك فاولئك هم الفاسقون)

دو شرط: عدم شرک و عدم کفران جنبه سلبی و نفی و نهی داشته، از جهت مثبت و در جنبه ایجابی هم مسلمانان وظیفه دارند پایبند سه وظیفه: صلوة، زکوة و اطاعت از رسول (ولایت) باشند (و اقيموا الصلوة و اتوا الزکوة و اطيعوا الرسول لعکم ترحمون) و اگر چنین نشدند، یعنی از شرک و کفر دوری کردند و به صلوة و زکوة و اطاعت از رسول (ولایت) ملزم گشتند می توانند مطمئن باشند کفار هرگز قادر نخواهند بود آنها را به عجز و ناتوانی بکشانند. به این ترتیب این سری آیات با آیه ۵۷ که چنین اطمینانی را القاء می کند ختم می شود: لا تحسبن الذين كفروا معجزين فى الارض و مأويهم النار و لبئس المصير.

۴- آیات ۵۸ تا ۶۱ (حریم خانه)

در این بخش بازگشتی به بخش اول سوره می نماید. با این تفاوت که در این قسمت بیشتر احکامی درباره «خانه» صادر می شود تا «خانواده»، گرچه هر دو موضوع به یک هدف منتهی می شود، در ضمن این ۴ آیه ۵ سال بعد از ۳۴ آیه بخش نخست، یعنی در سال ۱۰ هجری نازل شده است که تکمیل کننده آیات حریم خانواده می باشد. در این ۴ آیه ۴ حکم به شرح ذیل صادر می شود:

۱- اشخاص نامحرمی که (به عنوان کنیز یا غلام) در خانه هستند، یا اطفال نابالغ، حتماً باید در سه وقت مشخص (که نامبرده شده) برای ورود به اطاق سرپرست خانواده (پدر و مادر) اجازه بگیرند.

۲- اطفال بالغ باید همچون دیگران اجازه بگیرند.

۳- بر زنان بازنشسته (یائسه) که دیگر امیدی به ازدواج ندارند گناهی نیست که پوشش خود را بردارند، مشروط بر اینکه قصد خودنمایی و زینت آرائی نداشته باشند، البته اگر تمایل به عفت داشته باشند به نفع خود ایشان است.

۴- غذا خوردن فردی یا دسته جمعی افراد علیل یا سالم در خانه های خود و خانه های اقوام و دوستان و ... (که محدوده آن در آیه مشخص شده) اشکالی ندارد، پس هنگام داخل شدن در خانه ها باید بر اهل آن، که همه یک نفس را تشکیل می دهند، سلام کرد. در آیات چهارگانه فوق چند نکته مهم جلب توجه می کند: اولاً سه بار عبارت «كذلك يبين الله لكم الايات» در انتهای آیات ۵۸ و ۵۹ و ۶۱ تکرار شده که اهمیت این آیات تشریحی را که

خداوند برای هدایت خانواده‌ها «تبیین» فرموده نشان می‌دهد. ثانیاً در آیه ۶۱ که آخرین آیه این بخش و در ضمن آخرین آیه مربوط به مسائل خانه و خانواده در سوره نور می‌باشد، ۱۰ بار کلمه «بیوت» تکرار شده است، گویا همانطور که عدد ۱۰، تمام محسوب می‌شود، در این آیه با ذکر جزئیات، ضوابط و مقررات خانه و خانواده تمام شده و خداوند نعمت هدایت خود را به‌تمام رسانده است.

در ضمن آیه ۶۱ قابل مقایسه با آیه ۳۱ می‌باشد که هر دو آیه طولانی‌ترین آیات این سوره بوده و به‌طور کاملاً مشخصی از بقیه آیات بلندتر می‌باشند. هر دو آیه طبقاتی از خویشان نسبی را ذکر می‌کند که آشکار کردن زینت یا غذا خوردن در خانه‌های آنها مانعی ندارد.

۵- آیات ۶۲ تا ۶۴ (جمع بندی).

سه آیه آخر سوره به نظر می‌رسد مطالب آنرا جمع بندی و نتیجه گیری می‌نماید. در آیه اول مؤمنین واقعی را که رشد یافته در همان «بیوت» نور هستند. با تأکید و انحصار «انما» معرفی نموده مراتب ایمانشان را به خدا و رسول و اطاعتشان را در مسئولیت‌های اجتماعی نشان می‌دهد (انما المؤمنون الذین آمنوا بالله و رسوله و اذا کانوا مع علی امر جامع لم یذهبوا حتی یستأذنوه ... ان الله غفور رحیم).

در آیه دوم به سست‌ایمان‌هائی که نافرمانی و مخالفت با رسول می‌کنند می‌پردازد و سهل‌انگاری و راحت‌طلبی آنها را به باد هشدار و تهدید می‌گیرد و علم خدا را بر شانه خالی کردنشان یادآور می‌شود.

لا تجعلوا دعاء الرسول بینکم کدعاء بعضکم بعضاً قد یعلم الله الذین یتسللون منکم فلیحذر الذین یخالفون عن امره ان تصیبهم فتنه او یصیبهم عذاب الیم.

در آخرین آیه این سوره، بر مالکیت خدا بر آسمان‌ها و زمین و علم او بر اعمال انسان‌ها تأکید می‌کند و با یادآوری رجعت به سوی خدا که روز حساب و جزا محسوب می‌شود، انسان را نسبت به آگاهی دقیق خداوند بر جزئیات اعمال واقف می‌سازد:

الا ان الله ما فی السموات و الارض قد یعلم ما انتم علیه و یوم یرجعون الیه فینبئهم بما عملوا و الله بکل شیء علیم.

لحن و آهنگ انتهائی آیات

سوره نور دارای ۶۴ آیه است که ۳۲ آیه (نصف) آن با حرف «ن» که اشاره به عملکرد و

توصیف انسان است^۱ ختم می شود و بقیه آیات سوره ۲۲ بار با «م»، ۷ بار با «ر»، ۲ بار با «ب» و یک بار با «ل» ختم می شوند. این موارد خارج از عملکرد انسان می باشد.^۲

تقسیم سوره به دو بخش مساوی (که نمونه های دیگری در برخی سوره ها دارد) به نظر می رسد بی دلیل و اتفاقی نباشد (الله اعلم).

نام های نیکوی الهی

در این سوره نام جلاله «الله» ۸۰ بار تکرار شده که رقم بسیار بالائی است و تکیه سوره را بر «الوهیت» نشان می دهد. شگفت اینکه حتی یک بار هم نام «رب» (به صورت مستقل یا با ضمائر) در این سوره به کار نرفته است. به نظر می رسد این موضوع در سوره های بلند قرآن (تا اینجا که مطالعه کرده ایم) بی نظیر باشد. نام های دیگری که در سوره به کار رفته به نسبت تعداد کاربرد آن عبارتند از:

۱- علیم ۱۰ بار	۲- رحیم ۵ بار
۳- غفور ۴ بار	۴- حکیم ۴ بار
۵- خبیر ۲ بار	۶- سمیع ۲ بار
۷- قدیر ۱ بار	۸- تواب ۱ بار
۹- رؤف ۱ بار	۱۰- واسع ۱ بار

که در آیات ذیل به کار رفته اند:

آیات ۵ و ۲۲ و ۳۳ و ۶۲ (فان الله غفور رحیم)	آیه ۱۰ (ان الله تواب حکیم)
« ۱۸ و ۵۸ و ۵۹ (والله علیم حکیم)	« ۲۰ » « رؤف رحیم
« ۳۵ و ۳۶ (والله بكل شی علیم)	« ۲۸ والله بما تعملون علیم.
« ۲۱ و ۶۰ (والله سمیع علیم)	« ۳۲ والله واسع علیم.

مجموع اسماء با احتساب «بسم الله الرحمن الرحیم» اول سوره مساوی تعداد سوره های

قرآن و ضربی از عدد ۱۹ می باشد:

$$۸۰ + ۳۱ + ۳ = ۱۱۴ (۷ \times ۱۹)$$

۱. مثل: تذکرون - مؤمنین - فاسقون - صادقین - کاذبین - کاذبون - مبین - تعلمون - تعلمون - يعملون - یعملون - تکفرون - یصنعون - تفلحون - مفلحون - فائزون - متقین - یفعلون - معرضون - مدعین - ظالمون - ترحمون - تعقلون.

۲. مثل: آصال - ابصار - حساب - نور - مصیر - قدیر - علیم - رحیم - حکیم - عظیم - کریم - مستقیم - الیم.

کلمات کلیدی

برخی از کلمات در این سوره جنبه کلیدی و تعیین کننده دارند که توجه به آنها به فهم دقیق تر سوره کمک می کند.

۱- «بیوت» - همانطور که قبلاً گفته شد، کاربرد این کلمه در سوره نور به دلیل توجهی که به مسائل خانه و خانواده دارد، از بقیه سوره های قرآن بیشتر است (۱۴ بار - ۲۰٪ کل قرآن)

۲- «علیم» در این سوره ۱۰ بار خداوند به صفت «علیم» ستوده شده است که این رقم پس از سوره های بقره (۲۱ بار) و توبه (۱۱ بار) و نساء (۱۷ بار مجموع علیم و علیماً) بیش از سایر سوره های قرآن می باشد. این امر نشان دهنده علم و آگاهی خداوند بر جزئیات عملکرد انسان و به خصوص در کانون خانواده می باشد.

۳- «بیان»، مشتقات کلمه «بیین» (مثل مبین، یبیین، مبینات، بینات) ۱۰ بار در این سوره به کار رفته، که در رابطه با «نور» که روشن کننده و بیانگر همه چیز می باشد، قابل دقت و بررسی است.

۴- «اولئک» - از آنجائی که بخش هائی از این سوره به مردم شناسی تعلق دارد، ۹ بار در آن کلمه «اولئک» که اشاراتی به گروه های مختلف می باشد به کار رفته است که رقم بسیار بالائی می باشد.

ارتباط سوره های فرقان و نور (۲۴ و ۲۵)

۱- سوره نور با آگاهی بخشیدن به بندگان از اینکه تمامی آنچه در آسمانها و زمین است منحصرأ ملک خدا است، ختم می شود (الا ان الله ما فی السموات و الارض...) و سوره فرقان نیز با انحصار مالکیت کسیکه فرقان را برای هشدار به جهانیان بر بنده اش نازل فرمود، نسبت به آسمانها و زمین، افتتاح می گردد:

تبارک الذی نزل الفرقان علی عبده لیكون للعالمین نذیراً - الذی له ملک السموات و الارض و لم یخذ ولداً و لم یکن له شریک فی الملک و خلق کل شیء فقدره تقدیراً.

باین ترتیب موضوع «ملک وجود» و تعلق مطلق آن به خداوند، دو سوره را به یکدیگر متصل و مرتبط نموده انسجام طبیعی و ادامه مطلب را برقرار ساخته است. با این تفاوت که سوره نور نتیجه ای که از مالکیت انحصاری خداوند بر آسمانها و زمین گرفته، علم و آگاهی خدا بر اعمال بندگان و آگاه ساختنشان در روزی که به سوی او رجعت می نمایند، از کردارشان می باشد. که تأکیدی است بر قیامت. و سوره فرقان از چنین نتیجه ای، نتیجه دومی می گیرد که نزول فرقان برای هدایت آنها و هشدارشان نسبت به عواقب سوء اعمال، معیار و میزان تشخیص حق و باطلی بنام فرقان (وسیله شناخت تفاوت ها و فرق نیک و بد) نازل کرده تا راه سعادت از شقاوت مشخص گردد. باین ترتیب تداوم مطلب بطور طبیعی از سوره نور به سوره فرقان دیده می شود.

۲- بعد از موضوع «ملک» با فاصله‌ای بیشتر، موضوع «رسالت» در انتهای سوره نور و ابتدای سوره فرقان مطرح شده است که ارتباط درجه دومی میان دو سوره بشمار می‌آید. با این اختلاف که در سوره نور برخورد مؤمنین را نسبت به این امر مورد بررسی قرار می‌دهد و در سوره فرقان تکذیب کافران را.

ردیف	نام سوره	تعداد کلمات	تعداد آیه	معدل سوره تعداد کلمات تعداد آیه	ردیف	نام سوره	تعداد کلمات	تعداد آیه	معدل سوره تعداد کلمات تعداد آیه
۱	اخلاص (۱۱۲)	۱۵	۲	۷/۵	۱۲	توبه (۹)	۲۴۹۷	۱۶۹	۱۴/۳۷
۲	نصر (۱۱۰)	۱۹	۲	۹/۵	۱۳	جمعه (۶۲)	۱۷۵	۱۲	۱۴/۵۸
۳	طلاق (۶۵)	۲۸۷	۲۵	۱۱/۴۸	۱۴	حشر (۵۹)	۴۴۵	۲۹	۱۵/۳۴
۴	مجادله (۵۸)	۴۷۳	۴۰	۱۱/۸۲	۱۵	آل عمران (۳)	۴۴۸۰	۲۰۹	۱۶/۳۵
۵	تغابن (۶۴)	۲۴۱	۲۰	۱۲/۵۰	۱۶	نساء (۴)	۳۷۴۵	۲۲۹	۱۶/۳۵
۶	منافقون (۶۳)	۱۷۹	۱۴	۱۲/۷۸	۱۷	نور (۲۴)	۱۳۱۶	۸۰	۱۶/۴۵
۷	صف (۶۱)	۲۲۱	۱۷	۱۳	۱۸	ممتحنه (۶۰)	۳۴۷	۲۱	۱۶/۵۹
۸	حجرات (۴۹)	۳۴۳	۲۶	۱۳/۱۹	۱۹	حدید (۵۷)	۵۴۴	۳۲	۱۷
۹	انفال (۸)	۱۲۳۱	۸۸	۱۳/۶۹	۲۰	لقمان (۳۱)	۵۴۷	۳۲	۱۷/۱
۱۰	احزاب (۳۳)	۱۲۸۸	۹۰	۱۴/۳۱	۲۱	حج (۲۲)	۱۲۹۱	۷۵	۱۷/۲۱
۱۱	فتح (۴۸)	۵۶۰	۳۹	۱۴/۳۵	۲۲	تحریم (۶۶)	۲۴۹	۱۳	۱۸/۳۹

(کاربرد نام جلاله «الله» در ۲۲ سوره که بالاترین رقم را به طور نسبی دارا هستند).
نکته قابل توجه این است که ۱۰ سوره پشت سر هم؛ حدید (۵۷) تا تحریم (۶۶) در لیست فوق قرار دارند و این مجموعه ۱۰ سوره‌ای را می‌توان در ارتباط با یکدیگر و متمرکز روی مسئله «الوهیت» دانست.